

گروه‌های گوناگون معلمان، بلاتکلیف در تقلاي نان در کف خیابان!

امیر جواهری لنگرودی



در مجله‌ی روزشمار کارگری دو هفته‌ای پیش‌روی، افزون بر هفده (۱۷) خبر از فعالیت‌های گروه‌بندی‌های گوناگون معلمان، عمدتاً آموزشیاران نهضت سوادآموزی را در کنار دیگر گروه‌های معلمان مانند: مربیان پیش دبستانی، معلمان نیروهای رسمی، نیروهای غیر رسمی، نیروهای موظف، نیروهای غیر موظف، معلمان حق‌التدریس، معلمان خرید خدمت، معلمان شاغل حق‌التدریس، حق‌التدریس آزاد، سرپاز معلمان، مدرسین طرح امین، مدرسین قرآن، معلمان باز نشسته‌ی حق‌التدریس و... را می‌توانید بخوانید. این همه عنوان و دسته‌بندی کردن معلمان، ناشی از کمبود شدید معلم و ترس از خالی ماندن کلاس‌های درس، خاصه در دوره‌ی همه‌گیری ویروس کُویید ۱۹ است.

بیش از یک سال از شیوع بیماری کرونا می‌گذرد و در این مدت معلمان با وجود همه‌ی سختی‌ها لحظه‌ای کلاس‌های درس را تعطیل نکردند. اما مدتی است که حقوق معلمان حق‌التدریسی پرداخت نمی‌شود. بسیاری از آن‌ها برای معیشت خود با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند. باتوجه به فشار تورم و گرانی که در تمام کشور معیشت مزدبگیران را در تنگنا قرار داده و دولت هم در این زمینه اقدامی انجام نمی‌دهد، عدم پرداخت حقوق معلمان حق‌التدریسی می‌تواند مشکلات بسیاری برای آن‌ها به وجود آورد. تعداد زیادی از این معلمان زنان سرپرست خانواده‌اند!

از دیگر سو معلمان بازنشسته‌ی حق‌التدریسی هم با مشکلات خود مواجهند. اینان معلمانی هستند که به دلیل ناچیز بودن حقوق بعد از بازنشستگی، و خم شدن کمرشان زیر بار تورم و گرانی، دوباره به کلاس درس برمی‌گردند و برای حفظ شأن و مقام رفیع معلمی، سراغ

مشاغل دیگر و کارفرمایان دیگر نمی‌روند، بلکه با همان حقوق محدود با مناعت طبع زندگی می‌کنند. هم اینانند که شعار می‌دهند: «هزینه‌ها دلاری است/ درآمدها ریالی!»

در همین رابطه، یکی از معلمان حق‌التدریسی در کانال تلگرامی «معلمان عدالتخواه» پیام داده: «چرا آموزش و پرورش این ظلم آشکار را در حق معلمان انجام می‌دهد. از همکاران عزیز هم خواهشمندم مجدانه پیگیر حقوق ضایع شده خودشان باشند. لطفاً آن قدر انتشار بدید تا به گوش جناب وزیر محترم و شخص ریاست محترم جمهوری و نمایندگان محترم مجلس و سایر مسئولین برسد». پیامی که این‌روزها در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مشابه زیادی دارد که نشان از اهمیت و جدیت این مطالبه است. همچنین آموزشیاران نهضت سوادآموزی در چندین تجمع خود برابر مجلس، خواهان جلب رضایت ۶ هزار آموزشیار نهضتی هستند. یکی از آن‌ها در اعتراض به ناعادلانه بودن آزمون آموزشیاران نهضت سوادآموزی و مقایسه با نیروهای حق‌التدریس پیش دبستانی و سرباز معلمان، می‌گوید: «بعد از تجمعات مختلف مقابل ساختمان مجلس و پیگیری اعضای کمیسیون آموزش متأسفانه تا به امروز نتیجه‌ای از عملکرد نمایندگان منتخب مجلس نگرفته‌ایم». پیش از این، طرح حذف آزمون برای همه مشمولین وزرات آموزش و پرورش قبل از سال ۹۲ که در عین حال در آزمون ۲۰ تیر ماه پذیرفته نشده‌اند، در صحن علنی مجلس با موافقت ۱۷۵ نماینده رای آورد که متأسفانه بعداً به دلایل نامعلومی پذیرفته نشد. همان معلم درباره‌ی این تبعیض گفت: «همه گروه‌های آموزشی کشور بدون آزمون وارد دانشگاه فرهنگیان شدند؛ اما برای آموزشیاران چنین شرایطی به وجود نیامد و برای ادامه فعالیت؛ همه آن‌ها را وادار به برگزاری آزمون کردند. از یک نهضتی بعد از ۱۴ تا ۱۵ سال خدمت چرا باید الان آزمون استخدامی گرفته شود؟ چرا از بدو شروع به کارمان از ما آزمون نگرفتند تا امروز در شرایط فعلی اقتصادی کشور، مشکلاتمان با از دست دادن شغل چند برابر نشود؟ اجرای سیاست‌های کلی نظام در جذب استخدام نیروهای دولتی برای افرادی است که تازه قرار است وارد سیستم دولتی بشوند نه ما آموزشیاران که دولت بعد از سال‌ها کنارمان گذاشته‌اند» و تأکید کرد: «در بدو شروع به کارمان به ما گفته بودند پس از ۲ سال کار در نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش استخدام می‌شویم، اما حالا بعد از ۱۰ تا ۱۵ سال پشت سد آزمون جا مانده‌ایم». وی با ناعادلانه خواندن آزمون آموزشیاران نهضت سوادآموزی با مقایسه‌ی خود با نیروهای حق‌التدریس پیش دبستانی، افزود: «مشقت‌های بسیاری را شبانه‌روز در پارک‌ها و خیابان‌ها برای گرفتن حق خود در گرمای تابستان و سرمای زمستان متحمل شده‌ایم، اما هنوز مشکلاتمان بی‌پاسخ مانده است». آموزار دیگری می‌گوید: «تعدادی از همکارانمان که قرار بود از کرمانشاه به ما در تهران ملحق شوند، در مسیر دچار حادثه‌ی تصادف شدند که متأسفانه حال برخی از آن‌ها مساعد نیست.» (۱)

یک روز بعد، پس از نشست و برخاست مجلسیان، آموزشیاران نهضت سوادآموزی که خود را از جای جای کشور به تهران رسانده بودند، بدون هیچ‌امیدی به روشن شدن وضعیت خویش، به حرکت اعتراضی بلند مدت خود پایان دادند و با دست‌های خالی به شهرهای خود بازگشتند. در گزارشی که خبرگزاری ایلنا از آن تجمع منتشر کرده، از قول اجتماع کنندگان معترض آمده است: «خواستار ما حذف آزمون و جلوگیری از تبعیض به وجود آمده با سایر گروه‌های آموزشی بود که بدون آزمون وارد سیستم آموزش و پرورش و

دانشگاه فرهنگیان شده‌اند؛ متأسفانه نمایندگان مجلس بعد از دادن وعده و وعید بسیار، ما را ماه‌ها در انتظار خبر خوش نگه داشتند. اما در نهایت بدون توجه به سوابق ۱۶ ساله خدمت‌مان به همه ما پاسخ منفی دادند و ادامه فعالیت ما را به شرط قبولی در آزمون منوط کردند. همه معترضان که به نیابت از جانب همه پذیرفته‌نشده‌گان از شهرهای مختلف کشور برای رسیدگی به وضعیت شغلی خود به تهران آمده بودند، با ناامیدی تمام از رای نمایندگان منتخب خود به تجمع اعتراضی خود پایان دادند و به محل سکونت خود بازگشتند». به عبارتی تعداد شش هزار نفر از مجموع حدود ۲۴ هزار آموزشیار نهضت سوادآموزی موفق نشدند با کسب حد نصاب نمره در آزمون استخدامی قبول شوند. بنابراین شماری از این افراد که اکثراً زنان سرپرست خانواده‌اند، در اعتراض به آنچه بلا تکلیفی در وضعیت شغلی خود بعد از سال‌ها خدمت در مناطق محروم عنوان می‌کنند، طی سال گذشته چندین و چند بار مقابل ساختمان مجلس تجمع صنفی برگزار کردند که آخرین بار روز گذشته (۱۲ بهمن ماه) این تجمع با حضور حداکثری برگزار شد. (۲)

مجموعه‌ی این فراز و فرودها در دل شرایط بس سهمناک کرونایی حاکم بر فضای جامعه و درگسست حمایت دیگر نیروهای مطالبه‌گر جامعه، خاصه خود کانون‌های صنفی و متشکل معلمان شاغل و حتی پیکره‌ی معلمان بازنشسته که مرتب در خیابانند، بی‌صدایی این حرکات را در کلیت جنگ طبقاتی موجود موجب شده است!

امروز همچون دیروز، صورت مسئله بر همه گروه‌های معلمان معترض و منتظر پاسخ، روشن است. اینکه هیچگاه چانه زنی دربالا و مذاکره و رایزنی با نمایندگان دو قوه‌ی مجریه و مجلس، بدون نمایش عضله و نیروی متحد و قوی در پائین راه بجایی نمی‌برد! در این مبارزه‌ی نابرابر، برگ برنده در اتحاد نیروهای معترض در خیابان است که باید متحد و یکپارچه شوند، آن وقت است که قدرت حاکم دریابد معترضان در کف خیابان تحت هیچ شرایط حاضر به تمکین نیستند، و با وجود پرداخت هزینه‌های سنگین، دست از مطالبه‌گری خود نمی‌شویند!

نیک می‌دانیم مشکلات همواره در تمامی عرصه‌ها در جامعه‌ی ما وجود دارد ولی در زمانه‌ی بحران، همان مشکلات عادی به شکل برجسته‌تری خودنمایی می‌کنند. با وجود همه‌گیری کرونا، نتیجه‌ی تداوم سیاست خصوصی‌سازی نظام آموزشی توسط حاکمیت که در پاسخگویی به وضعیت معلمان قراردادی و غیررسمی ناتوان است، نمود و برجستگی بیشتری یافته است. هیچکس پاسخگو نیست! و نمی‌پذیرند این نتیجه‌ی کالایی‌سازی آموزش است. وقتی به طور غیرقانونی از دانش آموزان پول می‌گیرند، یعنی حاکمیت آموزش را تبدیل به یک «شیء» قابل خرید و فروش می‌کند و به این نحو آموزش را «کالایی» کرده باید پاسخگوی بحران‌های این سیاست ناکارآمد نیز باشد. همین‌طور ناتوانی خانواده‌ها در پرداخت مبالغی که بابت آموزش از آن‌ها طلب می‌شود، منجر به تحقیر دانش آموز، فرار او از مدرسه و مشکلات و آسیب‌های دیگر می‌شود.

مطالبه‌ی اصلی معلمان نه افزایش دستمزد آنان، بلکه روشن کردن وضعیت بلا تکلیف استخدام آنان، پرداخت به موقع حقوق‌ها و همسان‌سازی آن است. گزارشات روز شمار

کارگری نشان می‌دهد؛ بخشی از معلمان با افزایش نیروی کار خود، بین ۴ تا ۵ میلیون تومان در یک ماه حقوق می‌گیرند و برخی از معلمان مانند «معلمان خرید خدمت» حتی با ۵۰۰ هزار تومان در ماه، مشغول به کار هستند و این یعنی چیزی فزون‌تر از چرخه‌ی استثمار؛ به بردگی کشاندن نیروی معلمان جامعه است!

آشکار است که فشار، ظلم و ستم و بیداد به معلمان تنها به بحث دستمزد منحصر نمی‌شود. در گروه «معلمان خرید خدمت» معلمانی با مدرک دکترا دیده می‌شوند که به روستاهای دور افتاده و کپرنشین فرستاده می‌شوند. باید دید و فریاد زد که چه اندازه نابرابری به معلم و دانش آموخته کشور تحمیل می‌گردد. فشار به دانش آموزان با مؤلفه‌ی کالایی سازی نظام آموزشی، ظلم مضاعفی را به خانواده‌ها وارد کرده و این چرخه‌ی ناساز همچنان، تکرار می‌گردد.

تداوم و تقویت همه‌ی گروه‌های معلمانی که با طرح مطالبات خویش، با وجود دشواری‌های دوران کرونایی در سازمان‌یابی تشکل‌های خیابانی، طی ماه‌های اخیر بارها در برابر مجلس حضور یافتند، در مجاری تشکل‌یابی مستقل، بست همگرایی‌ها، همدلی‌ها، هماهنگی‌ها و همبستگی‌های عمیق، پیوند معلمان در مقابل نداشتن تشکل در برآمد تضعیف نیرو، احضار، بازداشت، زندان و ایجاد دودستگی و تفرقه است. تشکل‌های وابسته به حکومت و غیر مستقل که اصطلاحاً زرد خوانده می‌شوند، با شیوه‌ای نرم در تلاش برای تلاشی کانون گرم روابط گروه‌های معلمانند و درست از قبل همین کارشکنی‌هاست که راهجویی لازم به بار نمی‌نشیند.

امروز در تنگنای آنچه از زمین و آسمان بر سر طبقه‌ی ما توسط این نظام از صدر تا ذیل آلوده به رانت خواری و اختلاس، ارتشاء و چپاول، فرو می‌بارد، درد همه‌ی کارگرانی که ماه‌ها دستمزدشان عقب افتاده، خیل وسیع پرستاران که در گیرودار کرونا باسختی کار و معیشت، و با وجود مرگ یاران خویش مقاومت می‌ورزند، کارگرانی که در چرخنده‌ی کارفرمایان و سیاست خصوصی‌سازی حاکمیت اسلامی همه‌ی هستی‌شان را بر باد داده‌اند، بازنشستگی که با غارت یگانه مؤسسه‌ی آنان (تأمین اجتماعی) همه‌ی سرمایه‌ی عمرشان را هپلی کرده و به یغما برده و به کسی حساب پس نمی‌دهند و فقر فزاینده‌ای به آنان را در این شرایط سنی تحمیل کرده تا مجبور شوند برای وصول مطالبات‌شان به خیابان آیند، همچنین زنان سرپرست خانوار که در متروها به فروشنده‌ی مشغولند و کرونا هر یک از آنان را به منتهی الیه جامعه پس زده و یا دستفروشان سختکوش حاشیه‌ی خیابان‌ها که امروز در معرض رودررویی آشکار با مأموران سدمعبر و پیمانکاران سپاهی‌اند، در کنار لشکر توده‌ی بیکاران امروز که کارگران دیروزند و هر یک‌شان خجل در برابر خانواده و محروم از بیمه‌ی بیکاری و همچنان به مانند همین معلمان سرکوب شده، شلاق فقر بر تن آنان سنگینی می‌کند، دیده می‌شود که جملگی در یک صف مورد اجحاف و حق‌کشی قرار دارند. همه‌ی این خیل عظیمی که شلاق فقر و نداری، گرانی و تورم عمومی، دستمزدهای معوقه و کسری حقوق ماهانه را هرروزه برگردهدی خود حس می‌کنند، تنها در پیکره‌ای واحد می‌توانند بدل به همپشتانی بیکار جو شده و نیرویی متحد را تعریف کنند.

گروه‌بندی‌های گوناگون معلمان که در صف تعیین تکلیف وضعیت خویشند، باید از حمایت همه‌ی نیروی مطالبه‌گر، مشخصاً کانون‌های صنفی معلمان شاغل، فعالان سندیکائی، دانشجویان، زنان و مادران و خانواده‌های دانش‌آموزان و بازنشستگان که امروز چرخه‌ی اساسی تغییرات را در جامعه دنبال می‌کنند، برخوردار گردند. برای درمان دردها، در جامعه‌ی بلا گرفته‌ی ما، چه نیک گفته‌اند: «این درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود»!

به عبارتی محال است که در این جامعه‌ی نابرابر، کولبر کردستانی و سوختنر بلوچستانی به گلوله و رگبار بسته شوند و در آتش دیوانه‌سری سپاه مرصاد و قوای سرکوب مزدوران بسیج بسوزند، اما معلمان آموزشیاران نهضت سواد آموزی، معلمان قراردادی و غیررسمی و غیراستخدامی، مربیان پیش دبستانی، نیروهای رسمی معلمان، نیروهای موظف و غیرموظف، معلمان حق‌التدریسی، معلمان خرید خدمت، معلمان شاغل حق‌التدریس، سرباز معلمان، مدرسین طرح امین، مدرسین قرآن، معلمان بازنشسته‌ی حق‌التدریسی، در کنار پرستاران سخت کوش، کارگران صنایع و بخش خدمات، بازنشستگان، دستفروشان و... طعم آسایش و رنگ آرامش را ببینند و حق و حقوق‌شان به تمامی تأمین شود؛ در نتیجه فقط با اتحاد بزرگ و سراسری در یک بلوک کارگری - عدالتخواهی است که توده‌ی زحمتکش‌شان می‌توانند از شر مظالم تحمل‌ناپذیر این نظام جهنمی رها شوند.

جمع ببندم:

در یادداشت پیشینم (شهریور ۹۹) با عنوان: «اعتراضات مستمر گروه‌های مختلف معلمان در برابر مجلس، نیازمند حمایت گسترده است» به چند نکته، در جمع‌بست آن اعتراضات، اشاره داشته و آورده‌ام: «...شرط مقابله‌ی مؤثر با تبعیض ساختاری شده در میان لایه بندی‌های مختلف مزدی معلمان، تبدیل مطالبه‌ی امنیت شغلی به محور همبستگی صنفی همه‌ی گروه‌های معلمان است. همین مطالبه است که می‌تواند نهضتی، حق‌التدریسی، سرباز معلم، دانشجو معلم و خرید خدمتی را با معلم استخدامی در صفی مشترک علیه تبعیض و بی‌حقی در آموزش و پرورش متحد کند.» و دیگر اینکه «...نه فقط فرهنگیان، که بازنشستگان، کارگران، کارکنان و حقوق‌بگیران بخش‌های مختلف اقتصاد کشور در حمایت و همبستگی با گروه‌های حداقل بگیر و بی‌ثبات کار فرهنگیان ذینفع‌اند، زیرا پاره پاره کردن اشتغال در مشاغل دارای ماهیت مستمر، شکل دادن به لایه‌های محروم‌تر مزدی، ایجاد دسته‌بندی میان فعالان صنفی و جلوگیری از وحدت صنفی آنان برای درهم شکستن هر چه بیشتر مزد و مزایا و برده‌دارانه‌تر کردن شرایط اشتغال، نپرداختن دستمزدها و حق بیمه‌ها، شتری است که پشت در همه بخش‌های اقتصاد کشور و همه مزد و حقوق‌بگیران خوابیده است.» (۳)

چنانچه حرکت گروه‌بندی‌های گوناگون معلمان را در کنار حرکات سریالی بازنشستگان، و دیگر گروه‌های اعتراضی قرار دهیم، می‌بینیم با همه‌ی دشواری‌هایی که کرونا بر حوزه‌ی

زندگی آحاد جامعه تحمیل کرده، نتوانسته راه را برای مطالبات به حق معیشتی در مصاف نان و جان بر آنها ببندد.

مبارزه‌ی بی‌امان ادامه دارد!

منابع:

(۱) خبرگزاری ایلنا، تجمع دوباره آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس...، یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1032057>

(۲) خبرگزاری ایلنا، پایان تجمع یک روزه پذیرفته‌نشده‌گان آزمون استخدامی نهضت سوادآموزی، دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-103268>

(۳) سایت روزشمار کارگری- امیرجوهری لنگرودی، اعتراضات مستمر گروه‌های مختلف معلمان در برابر مجلس، نیازمند حمایت گسترده است، شهریور ۹۹
<http://karegari.com/maghalat/2020/09/13/Yaddashat%20Kargari%2013%20Sep%202020.pdf>

=====

روزشمار کارگری دو هفته شماره ۴۶ و ۴۷

را از سایت روزشمار کارگری، لینک زیر می‌توانید دنبال کنید!

<http://karegari.com/maghalat/2021/03/01/Roozshomar%20kargari%2046+47%20AmiR.pdf>